

آیین جشن‌ها در شاهنامه‌ی فردوسی

ابراهیم الطافی*

چکیده

بی‌شک، فرهنگ واژه‌ها، فرهنگ نام‌های ایرانی، فرهنگ و آیین پاک و بی‌آلایش، گنجینه‌ی واژه‌های سره‌ی فارسی شاهنامه‌ی فردوسی است. شاهنامه سخن گران‌بهای فردوسی پر بار از واژه‌ها، ترکیبات زیبا و دلنشین است. این بار به سراغ واژه‌ی «جشن» در این واژه‌نامه‌ی پارسی رفته‌ام.

سخن از جشن، انواع جشن‌ها و آیین سور و سرور و شنیدنی‌های آن در کلام فردوسی فراوان است و این نکته را به ما یاد آور می‌شود که آگاهی کامل از این آداب و رسوم داشته است. به این وسیله سفره‌ی گسترده‌ی واژه‌ی «جشن» را بیشتر بررسی و در برابر شاهنامه‌ی دوستان و شاهنامه‌پژوهان می‌گستریم که واژه‌ی جشن در شاهنامه چه جایگاهی دارد؟

کلید واژه: فردوسی، شاهنامه، جشن، پیدایش جشن‌ها، جشن‌ها در اشعار فردوسی.

فردوسی و شاهنامه

حکیم ابوالقاسم فردوسی از ستارگان در اوّل آسمان ادب ایران است که از دوره‌های گذشته تاکنون با کتاب گرانقدر خود، شاهنامه در میان مردم شهرت و محبوبیت یافته است. آنچه درباره وی می‌دانیم این است که در یکی از سال‌های (۳۲۹ یا ۳۳۰) هـ ق یعنی درست در همان سال‌هایی که شمع زندگی رودکی شاعر پر آوازه‌ی دوره‌ی قبل خاموشی می‌گرفت در روستای باژ واقع در

Ebrahimaltafi@yahoo.com

* دانشجوی دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۰۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۱۵



منطقه طوس بدینا آمد. فردوسی از نجیب زادگان و دهقانان طوس بود. این گروه به سنت و فرهنگ ایرانی دلبستگی بسیار داشتند. فردوسی بین سی و پنج تا چهل سال بیشتر نداشت که دقیقی شاعر حماسه پرداز و هم ولایتی او که نظم روایات ملی ایران را چند سال پیش آغاز کرده بود در سن جوانی به دست غلامش کشته شد و فردوسی بر آن شد تا کار ناتمام او را دنبال کند. فردوسی نظم شاهنامه را حدود (۳۷۰) هـ ق آغاز کرد و بیست و پنج یا سی سال برای نظم تمام آن رنج کشید.

فردوسی سال‌های آخر عمر خود را در تنگدستی و ضعف و بیماری و تنگدلی گذرانید و سرانجام در حالی که نزدیک به هشتاد سال داشت به سال (۴۱۱) هـ ق درگذشت و در زادگاه خود به خاک سپرده شد. آرامگاه او اینک در شهر طوس، واقع در بیست کیلومتری مشهد زیارتگاه صاحب‌دلان و ادب دوستان است.

شاهنامه، مجموعه تاریخ و فرهنگ قوم ایرانی است که همه وجود زندگی و معتقدات و باورها و دستاوردهای فکری و دینی و اخلاقی و اجتماعی آنان را در خود منعکس کرده است، لباس نظمی که فردوسی بر قامت این مجموعه پوشانده آن را از هر جهت بر جسته و هنری قابل توجه و سزاوار احترام کرده است. شاهنامه را نباید تنها کتاب کردارها و رویدادها دانست. در شاهنامه اندیشه و کردار، نظر و عمل پا به پی هم پیش می‌رود تقریباً همه کردارهای شاهنامه از روی اندیشه صورت می‌گیرد و هیچ یک از حوادث و رفتارها خالی از پیامی و غایتی نیست علاوه بر این در خلال رویدادهای شاهنامه بسا معانی باریک و مطالب عالی فلسفی، اجتماعی و اخلاقی و بسیار نکته‌ها و پیامهای انسانی نهفته است.

ریشه‌یابی واژه‌ی جشن

جشن به فتح اوّل و سکون دوم از کلمه فارسی میانه و اصل اوستایی به معنی ستایش و ستودن است، (yasna یسنا) به معنی ستایش است.



جشن در پهلوی یسن (yaŠn) بوده است؛ ریختی دیگر از آن، در این زبان یسن yasn است، به معنی پرستش، از مصدر یستن yaŠtan به معنی پرستیدن، از آن رو که جشنهای بزرگ در ایران سرشت آیینی داشته‌اند، بدین نام خوانده شده‌اند. ستاک واژه، دراوستا، یزته بوده است؛ واژگان دیگر نیز چون «یزدان»، «ایزد»، «یسنا» و «پشت» از این ریشه برآمده‌اند.

پیدایش جشن‌ها

دسته بندی و رده بندی جشن‌های ملی ایران

الف- جشن‌های ماهانه

ب- جشن‌های سالیانه

ج- جشن‌های فصلی

الف- جشن‌های ماهانه

هر یک از سی روز ماه نام معینی و خاصی داشته است که عبارتند از:

۱- روز اول هر ماه اورمزد به نام اهورا مزدا

۲- بهمن

۳- اردیبهشت

۴- شهریور

۵- سپندارمز

۶- خرداد

۷- امرداد

۸- دی به آذر

۹- آذر

۱۰- آبان



۱۱- خور

۱۲- ماه

۱۳- تیر

۱۴- گوش (گنوش)

۱۵- دی به مهر

۱۶- مهر

۱۷- سروش

۱۸- رشن

۱۹- فروردین

۲۰- ورهرام

۲۱- رام

۲۲- باد

۲۳- دی به دین

۲۴- دین

۲۵- ارد

۲۶- اشتاد

۲۷- آسمان

۲۸- زامیاد

۲۹- مانتره، سپند

۳۰- انارام

هرگاه نام روز با نام ماه برابر و یکی می‌شد آن روز را جشن می‌گرفتند.

فروردین گان (روز ۱۹ فروردین) آبانگاه (۱۰ آبان ماه)

خورداد گان (۶ خورداد ماه) آذرگان (۹ آذر ماه)

مرداد گان (۷ مرداد ماه) بهمنگان یا بهمنچه (۲ بهمن ماه)



دیگان (۲۳، ۱۵، ۸ دی ماه)	مهرگان (۱۶ مهر)
سپندارمزگان (۵ اسفند ماه)	اردیبهشتگان (۳ اردیبهشت)
شهریورگان (۴ شهریور)	تیرگان (۱۳ تیر ماه)

ب- جشن‌های سالیانه

جشن‌های سالیانه در عهد ساسانی بود، در اصل با امور کشاورزی بستگی داشته‌اند مانند جشن‌های نوروز، مهرگان، سده.

پیدایش جشن نوروز

بازگشت و تکرار برخی از رویدادهای طبیعی یعنی رفتن سرما و آمدن گرما، بیش گیاهان و خزان آنها نارسایی‌ها و ناهماهنگی‌هایی که تقویم قمری با تقویم دهقانی (زمان کاشت و داشت و برداشت) داشت گرایش به سمت تقویم بر اساس گردش خورشید تشدید گردید. در سال ۴۶۷ یا ۴۷۱ هجری در زمان سلطنت ملکشاه سلجوقی و به فرمان او تقویم پارسی اصلاح شد و نوروز به اول حمل برگشت. بدین ترتیب سال جلالی نزدیک سال‌های جهان به سال شمسی حقیقی که ۳۶۵ روز و ۵ ساعت و ۴۸ ثانیه است.

نوروز و برگزاری آیین و جشن نوروزی را از زمان پادشاهی جمشید چهارمین پادشاه سلسله پیش از تاریخ پیشدادی می‌دانند. روز هرماز برج حمل روزی که زمین از رنج و سختی زمستان آسوده شده بود.

«به جمشید بر گوهر افشانند مگر آن روز را روز نو خوانند»
(فردوسی)

نوروز، آفتاب به نقطه اول حمل آمده بود و به زبان پهلوی شعاع را (شید) می‌گویند، این لفظ را بر (جَم) افزودند (جمشید) گفتند یعنی پادشاه روشن و در آن روز جشن عظیم برپا کردند و آن روز را نوروز نام نهادند.

جشن نوروز در میان ایرانیان به علت‌های زیر نسبت داده شده است :



- ۱- کیومرث نخستین پادشاه پیشدادی، هوشنگ دومین پادشاه پیشدادی، تهمورث پیشدادی همه در این روز متولد شدند.
 - ۲- فریدون ایران را در میان فرزندان خود تقسیم کرد.
 - ۳- سام نریمان در نوروز در پی سرکوبی مردم آزاران برخاست.
 - ۴- کیخسرو و پور سیاوش افسر پادشاهی به لهراسب بخشید.
 - ۵- شاه گشتاسب و بانو کتایون و جاماسب آیین مزدیسنا را پذیرفتند.
 - ۶- زرتشت از سوی «اهورا مزدا» به پیامبری برگزیده شد و...
- نوروز مهم ترین جشن و آیین در همه ادوار تاریخ و حتی پیش از تاریخ ایران بوده است و به پیش از اسلام مربوط به دوران هخامنشی و سپس ساسانی است. تخت جمشید به عنوان پایتخت بهاره استفاده قرار می گرفته است.

پیدایش جشن مهرگان

واژه «مهر» که در زبان اوستایی «میثره» در پارسی باستان (میتره) در سانسکریت نیز (میتره) آمده است. و در زبان پهلوی به شکل (میتر) دگرگون شده و در پارسی (مهر) گردیده است. این ماه آغاز سال هخامنشیان است. ایرانیان هفتمین ماه سال و شانزدهمین روز هر ماه و دهمین گشت اوستا را به این نام نامیده‌اند.

این جشن را در قدیم (متراکانا) می گفتند و بعدها به نام مهرگان خوانده شد و پس از اسلام آن را مهرجان گفتند. شش روز طول می کشید از مهر روز در شانزدهم مهر ماه آغاز می شد. مهر نام خورشید است و در چنین روزی خورشید آشکار شد.

در کتاب «اخبار ایران» نوشته و ترجمه الکامل ابن اثیر آمده است. دستگیری ضحاک را روز مهرگان نوشته‌اند. ایرانیان در این جشن به زبان خود می گویند:

«آمد مهرگان روز کشتن کسی که مردم را می کشت»



ابو ریحان بیرونی در «آثار الباقیه» در این خصوص می‌نویسد: «در روز شانزدهم مهر است که عید بزرگی و به مهرگان معروف است که فریدون به ضحاک ظفر یافت و او را به قید اسارت در آورد. فریدون روی به ضحاک نهاد و کاوه سپهسالار او بود و همه کار دست او بود. در زمان هخامنشیان آغاز سال نو از مهر ماه بوده است و به همین لحاظ جشن‌های مفصلی در مهر ماه تحت عنوان جشن مهرگان برگزار می‌گردیده است. علی‌رغم اینکه آغاز سال در دوره ساسانی مهرماه نبوده، بلکه اول فروردین بود ولی جشن مهرگان در ایران عصر ساسانی برگزار می‌شد. و هر روز جشن به یک طبقه از طبقات اجتماعی از جمله شاهزادگان، موبدان، بازرگانان، جنگیان، دهقانان و پیشوران اختصاص می‌داده است. فرخی سیستانی در مورد مهرگان چنین سروده است:

«مهرگان جشن فریدون ملک فرخ باد بر تو ای همچو فریدون، ملک فرخ فال»

پیدایش جشن سده

روز دهم بهمن ماه روز برگزاری جشن سده یا سدگ بوده است. ایرانیان باستان نوروز روشنایی و گرمای حاصل از آن را تجلی «اهورا مزدا» می‌دانستند و هنگام ستایش خدا را به سوی خورشید یا آتش یا هر روشنایی دیگر می‌ایستادند. سده جشن خاص آتش است سبب نامش به سده چنان است که از او تا نوروز پنجاه روز است و پنجاه شب نام سده اشاره به گذشتن از صد روز پس از آغاز زمستان است. بعضی نیز معتقدند که در این روز فرزندان مشی و مشیانه به صد روز رسیدند. فردوسی پیدایش جشن سده را هوشنگ می‌داند که آن جشن را به خاطر پیدایش جرقه و روشن شدن آتش می‌نامند و به مردم می‌گوید که این آتش فروغ ایزدی است پس همه آن را تکریم می‌کنند.

«یکی جشن کرد آن شب و باده خورد سده نام آن جشن فرخنده کرد
ز هوشنگ ماند این سده یادگار بسی باد چون او دیگر شهریار»
«فردوسی»



ج- جشن های فصلی

جشن های فصلی را «گاهنبار» گفته اند. نام و زمان برگزاری گاهنبارهای شش گانه به قرار زیر بوده است:

- ۱- میذیوی زرمی به معنای (میانه بهار) که در اردیبهشت ماه بوده است.
- ۲- میذیوی شم به معنی (میانه تابستان) که در تیر ماه بوده است.
- ۳- پیشش همی به معنی (دانه آور) که در شهریور ماه بوده است.
- ۴- ایانرم به معنی (بازگشت به خانه) یعنی به خانه آمدن گلّه از چراگاهها که در مهر ماه بوده است.
- ۵- میذیا یری به معنی (میانه سال) یا (میانه زمستان) در دی ماه بوده است.
- ۶- همسپت میثدی به معنی (با هم جمع شدن) است این فصل از روز ۲۱ دی ماه تا پایان سال بود.

جشن در اشعار فردوسی

کاربرد واقعی و حقیقی واژه ی جشن در کلام فردوسی همان در برگیرنده سرور، شادی، پای کوی و آیین است، اشاره به انواع جشن ها خود نمایانگر این کلام فردوسی است که جشن و سرور یکی از ارکان جامعه و به عنوان آیین معرفی کرده که در ایران باستان رایج بوده است. فردوسی ساختارها و ترکیب های زیبا هم از واژه ی جشن پدید آورده است از آن جمله :

جشن فرخنده، جشن نو، جشن شاهان، جشنگاه، جشنگه و....

واژه ی جشن در جای جای اشعار فردوسی دیده می شود با بررسی و کاوش های بنده ی حقیر در حدود (۶۷) بیت واژه ی جشن و ساختارهای آن به کار رفته است.

با ذکر نمونه هایی و ابیاتی از شاهنامه در این جستار سعی بر آن شده است که کاربرد آن بیشتر بررسی شود و مورد پسند دوستداران ادب و فرهنگ فارسی قرار گیرد :

هوشنگ

یکی جشن کرد آن شب و باده خورد سده نام آن جشن فرخنده کرد

بیت (۲۱)



ضحاک

فریدون غم افکند و رامش گزید

شبی کرد جشنی چنان چون سزید

بیت (۳۶۷)

جمشید

چنین جشن فرخ از آن روزگار

به ما ماند از آن خسروان یادگار

بیت (۵۵)

فریدون

دل از داوری‌ها پرداختند

به آیین یکی جشن نو ساختند

بیت (۵)

به روزی کجا جشن شاهان بُدی

و ز آن پیش تر بزمگاهان بُدی

بیت (۴۴۷)

تهی دید از آزادگان جشنگاه

به کیوان بر آورده گرد سپاه

بیت (۴۵۱)

چو جشنی بُد این روزگار بزرگ

شده در جهان میش پیداز گرگ

بیت (۵۱۰)

یکی جشنگاهی بیا راست شاه

چنان چون شب چارده چرخ ماه

بیت (۱۳۰۹)

بدان جشن هر کس که آمد فراز

شد از خواسته یک به یک بی نیاز

بیت (۱۴۳۶)

یکی جشن کردند در گلستان

ز زاولستان تا به کابلستان

بیت (۱۵۲۶)

پادشاهی زو تهماسب

به هر سو یکی جشنگه ساختند

دل از کین و نفرین پرداختند

بیت (۴۳)



داستان سیاوش

می و رود و رامشگران خواستند	به هر جای جشنی بیاراستند
بیت (۱۲۱)	
نخواهی همی کرد کس را نگاه	پرسی و گویی کز آن جشنگاه
بیت (۱۹۹۲)	
شب سوز آزاده کیخسرو است	که روز نو آیین و جشنی نو است
بیت (۲۴۲۸)	
به جشن جهانجوی کیخسرو آی	که گفتی مرا چند خسپی مپای
بیت (۲۴۳۰)	

داستان بیژن و منیژه

به دو روزه راه اندر آید به تور	یکی جشنگاه است زاید نه دور
بیت (۱۵۸)	
شویم و بتازیم یک روزه راه	اگر ما به نزدیک آن جشنگاه
بیت (۱۷۰)	
سوی گیو گودرز نشتا فتم	چو زین جشنگاه آگهی یافتم
بیت (۲۰۹)	
نبود اندرین کار کس را گناه	نه من به آرزو جستم این جشنگاه
بیت (۳۰۴)	
بدین جشن توران فراز آمدم	از ایران به جنگ گراز آمدم
بیت (۳۰۵)	
کجا بیژن گیو کم کرد راه	بشد تازیان تا بدان جشنگاه
بیت (۴۴۲)	



جنگ کیخسرو و افراسیاب

تو ایدر به جشن و خرام آمدی
ز شاهان درود و پیام آمدی
شبی کرد جشنی که تا روز پاک
همی مرده برخاست از تیره خاک
بیت (۱۴۰۵)
بیت (۱۶۵۳)

پادشاهی لهراسب

به هر برزنی جشنگاهی سده
همه گردد برگردش آتشکده
یکی جشن کردند کز چرخ ماه
ستاره بیارید بر جشنگاه
بر آن ازدها بر یکی جشن کرد
ز شبگیر تا شد جهال ازورد
بیت (۲۱)
بیت (۱۰۷)
بیت (۵۸۸)

پادشاهی دارای داراب

نگه دارد این فال جشن سده
همان فر نوروز و آتشکده
بیت (۳۷۳)

داستان هفتخوان اسفندیار

بیا راست خرم یکی بزمگاه
به سر بر نظاره بر آن جشنگاه
بیت (۷۱)

داستان رستم و شغاد

بسی خوردنی‌ها بیاورد شاه
هر آن کس که او را خور و خواب نیست
بیا راست خرم یکی جشنگاه
غم مرگ با جشن و سورش یکی ست
بیت (۱۴۴)
بیت (۳۳۰)



پادشاهی همای چهارزاد

به جایی که دانست کآتشکده ست
وگر زند و اُستا و جشن سده ست
بیت (۲۷۴)

پادشاهی شاپور ذو الاکتاف

کنیزک بدو گفت فردا پگاه
شوند این بزرگان سوی جشنگاه
بیت (۲۲۴)
یکی جشن باشد به روم اندرون
که مرد و زن و کودک آید برون
بیت (۲۲۵)

به جشن آمدند آنک بودی به شهر
بزرگان جویند از جشن بهر
بیت (۲۳۵)
دهی خرم آمد به پیشش به راه
پراز باغ و میدان و پر جشنگاه
بیت (۲۴۵)

پادشاهی بهرام گور

سیم روز جشن و می و سور بود
غم از کاخ شاه جهان دور بود
بیت (۶۷)
برفتند یکسر به آتشکده
به ایوان نوروز و جشن سده
بیت (۹۱)
شگفت آمد او را از آن جشن اوی
وز آن خوب گفتار و ز آن تازه روی
بیت (۱۴۰)
چو شد مرد خرم ز دیدار شاه
از آن نامداران و آن جشنگاه
بیت (۲۹۳)
مگر مهر و نوروز و جشن سده
که او پیش رفتی میان رده
بیت (۲۹۴)



چو شد ساخته کار آتشکده همان جای نوروز و جشن سده
بیت (۱۶۰۴)

پادشاهی اشکانیان

بر آورد ز آن چشمه آتشکده بدو تازه شد مهر و جشن سده
بیت (۴۴۲)

و ز آن سوی آتش همه دختران یکی جشنگه ساخته بر کران
بیت (۴۵۰)

از آن پس خروش آمد از جشنگاه که جاوید ماناد بهرامشاه
بیت (۴۵۶)

نگه کرد این جشن و آتش بدید عنان را بیچید و زین سو کشید
بیت (۵۰۵)

یکی جشنگاه است و زایدر نه دور که سازد پدرم اندر آن بیشه سور
بیت (۲۲۵۶)

که چون شاه شنگل سوی جشنگاه شود خواستار آید از نزد شاه
بیت (۲۲۹۲)

همی بود تا تازه شد جشنگاه گرانمایگان بر گرفتند راه
بیت (۲۲۹۵)

چونا تندرستی بود جشنگاه دژم باشد و داند این مایه شاه
بیت (۲۲۹۸)

به زن گفت شنگل که این خودمباد که بیمار باشد کند جشن یاد
بیت (۲۲۹۹)

پادشاهی قباد

نهاد اندر آن مرز آتشکده بزرگی به نوروز و جشن سده
بیت (۲۰۵)



پادشاهی یزدگرد

همی بود جشنی نه بر آرزوی	ز تیمار پیروز آزاده خوی
هم آتش بمردی به آتشکده	شدی تیره نوروز و جشن سده
	بیت (۳۶۱)
	بیت (۳۶۹)

پادشاهی هرمز

سه یک دیگر از بهر آتشکده	همان بهر نوروز و جشن سده
	بیت (۱۰۰۰)

پادشاهی خسرو پرویز

کند با زمین راست آتشکده	نه نوروز ماند نه جشن سده
جوانان چین اندر آن مرغزار	یکی جشن سازند گاه بهار
از ایوان بشد نزد آن جشنگاه	که خاقان به نخچیر بُد با سپاه
بدو گفت بهرام فردا پگاه	بیایم بیینم من این جشنگاه
بپردازم از اژدها جشنگاه	چو شبگیر ما را نمایند راه
شود فرخ این جشن و آیین ما	درخشان شود در جهان دین ما
چو هنگامه‌ی تیر ماه آمدی	گه میوه و جشنگاه آمدی
بدان باغ رفتی به نوروز شاه	دو هفته بیودی بدان جشنگاه
	بیت (۳۶۲۵)
	بیت (۳۶۹)
	بیت (۲۳۳۴)
	بیت (۲۳۳۹)
	بیت (۲۳۴۸)
	بیت (۲۳۵۰)
	بیت (۳۲۸۶)
	بیت (۳۵۷۰)



که تا چون بود شاه را جشنگاه بیستم نهفته یکی روی شاه
بیت (۳۶۳۰)
بر باربد شد بگفت آنک شاه همی رفت خواهد بر آن جشنگاه
بیت (۳۶۳۳)
ز ایوان پیامد بدان جشنگاه بیاراست پیروزگر جای شاه
بیت (۳۶۳۸)

پادشاهی شیرویه

بیخشید چندی به آتشکده چه بر جای نوروز و جشن سده
بیت (۵۵۷)

پادشاهی یزدگرد

همه تختگاه و همه جشن و سور نخرم به دیدار یک موی حور
بیت (۱۸۷)

منابع و مآخذ

- حمیدیان، سعید، (۱۳۷۴)، شاهنامه، چاپ مسکو، نشر داد.
- دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۷)، لغت نامه، چاپ دوم، تهران، دانشگاه تهران.
- دشتی، رضا، (۱۳۸۶)، جشن‌های ملی ایرا نیان، چاپ اول، تهران، موسسه فرهنگی و انتشاراتی پازینه.
- صفا، ذبیح الله، (۱۳۶۳)، تاریخ ادبیات، تهران، موسسه انتشارات امیر کبیر.
- عمید، حسن، (۱۳۶۲)، فرهنگ فارسی، چاپ هجدهم، تهران، موسسه انتشارات امیر کبیر.
- فردوسی، ابوالقاسم، (۱۳۸۸)، شاهنامه، بر اساس نه جلدی چاپ مسکو زیر نظری. ا. بر تلس و ع. نوشین، چاپ چهارم، تهران، انتشارات ققنوس.
- فردوسی، ابوالقاسم، (۱۳۶۳)، شاهنامه، چاپ سهامی کتابهای جیبی، تهران.
- کزازی، میر جلال الدین، (۱۳۸۶)، نامه‌ی باستان، چاپ ششم، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی.